



Sheikh Mohammad Hassan Vakili

جلوه های عشق و توحید در عاشورا

تاریخ انتشار: شنبه ۱۰ رجب ۱۴۳۵

هو العظیم

روش علمی بحث در کرسی‌های آزاد اندیشی این نیست که به جای پاسخ یا اعتراف به خطا از محور اصلی بحث خارج شویم. متهم کردن حقیر - بر خلاف واقع- به دفاع از صوفی‌گری و تفسیر غلط توحید افعالی به جبر و تفسیر غلط فناء به خدا شدن و متهم نمودن عرفا به جبر و ادعای الوهیت و هم‌طرازی با امام معصوم از اشتباهات آن جوابیه بود.

فهرست

- ۱- پاسخ استاد حجت‌الاسلام و المسلمین وکیلی به به " عاشورا در مذبج تحریفات عرفانی و صوفیانه"؛ جلوه‌های عشق و توحید در عاشورا
- ۲- جلوه‌های عشق و توحید در عاشورا
- ۳- پانویس

پاسخ استاد حجت‌الاسلام و المسلمین وکیلی به به " عاشورا در مذبج تحریفات عرفانی و صوفیانه"؛ جلوه‌های عشق و توحید در عاشورا
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد وآله الطاهرين و لعنة الله علي أعدائهم أجمعين و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم

جلوه‌های عشق و توحید در عاشورا

چندی قبل مقاله‌ای در خبرگزاری مشرق در نقد فرمایشات مرحوم علامه آیه الله حسینی طهرانی منتشر شد که با برداشتی ناصواب از عباراتشان نسبت‌های نادرستی به ایشان داده شده بود. پس از مدتی مقاله‌ای از نگارنده با نام عاشورا روز حزن یا سرور سید الشهداء علیه السلام که در گذشته در مجله نور الرضا علیه السلام منتشر شده بود توسط برخی کاربران به این سایت ارسال شده که در آن فرمایش مرحوم علامه به شکلی کاملاً شفاف تبیین شده و اثبات گردیده است که این فرمایش کاملاً متخذ از روایات مبارک اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

نگارنده مقاله مزبور در جوابی که به این مقاله داده‌اند به جای پاسخ به استدلال‌های آن - طبق روش مرسوم مخالفین حکمت و عرفان - از بحث خارج شده و مطالب غیر مرتبطی را مطرح نموده‌اند. مطالب عرفانی بسیاری در معارف کتاب و سنت وجود دارد که مخالفین عرفان نسبت به آن سؤالات یا اعتراضاتی دارند ولی روش علمی بحث در کرسی‌های آزاد اندیشی این نیست که به جای پاسخ یا اعتراف به خطا از محور اصلی بحث خارج شویم. متهم کردن این نویسنده - بر خلاف واقع- به دفاع از صوفی‌گری [۱] و تفسیر غلط توحید افعالی به جبر و تفسیر غلط فناء به خدا شدن و متهم نمودن عرفا به جبر و ادعای الوهیت و هم‌طرازی با امام معصوم از اشتباهات آن جوابیه بود که در صورت تمایل نویسنده می‌توان در کوتاه‌نگاری‌های دیگری تفسیر صحیح همه آن موارد را با مستنداتش از قرآن و سنت تبیین کرد.

فعلاً سزاوار است برای روشن‌تر شدن فرمایش بلند مرحوم حضرت علامه که از غرر معارف عترت علیهم السلام است به توضیح بیشتر آن پرداخته و اشتباهات دیگر جوابیه مزبور نقد گردد.

۱ - اصل مدعا این بود «از مسلمات مکتب اهل بیت علیهم السلام است که شیعه باید در حزن ایشان محزون و در سرورشان مسرور باشد «یحزنون لحزننا و یفرحون لفرحنا» و در این مسأله جای تأمل نیست. همچنین از مسلمات روایات است که در روز عاشورا حضرت سید الشهداء و یاران ایشان گرچه از جهتی محزون بودند ولی از جهتی عاشورا روز شادی و مسرت ایشان بوده‌است پس به مقتضای قاعده «یحزنون لحزننا و یفرحون لفرحنا» ما نیز باید هم محزون و هم شاد باشیم و چون چنین چیزی برای انسان عادی - بر خلاف انسان کامل - مقدور نیست، برخی از شیعیان و محبین فقط به جنبه حزن آن توجه دارند و برخی فقط به جنبه سرور، که هر دو ما دون مقام انسان کاملی است که اسفار اربعه‌اش تمام شده‌است. ولی هر یک به قدر خود در تولی گام برداشته‌اند؛ و البته دسته دوم از اول اشرفند.» (برای توضیح کامل به اصل مقاله مراجعه نمایید).

نویسنده محترم جوابیه تنها جوابی که به این استدلال روایی داده‌اند این است: «و این برداشتی بسیار غریب و عامیانه از حدیث "یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا" است که بگوییم چون امام حسین علیه السلام در شب عاشورا نسبت به شهادت فردا ابتهاج داشتند و بعد از شهادت هم به فوز و سرور ابدی رسیدند، پس باید در روز عاشورا هم شادی کرد و هم عزاداری!» حقیر قضاوت درباره این پاسخ عامیانه را به عهده خوانندگان خردمند می‌نهم.

۲ - نویسنده محترم می‌نویسد: «از مرحوم سید بن طاووس نقل شده است که: «واقعۀ عاشورا و شهادت اهل بیت علیهم السلام سراسر لذت و شادمانی و فرح و سرور بوده و اگر نبود که کتاب و سنت امر به عزاداری نموده‌اند، ما بدین مناسبت لباس شادی و مسرت می‌پوشیدیم.»

اولاً: اگر چنین نقلی از مرحوم سید صحیح باشد چه حجیتی در آن است؟ ضمن آن که این نقل قول از جهتی کاملاً بر خلاف مدعیات پاسخ دهنده است. زیرا سید فرموده است که "کتاب و سنت ما را امر به عزاداری نموده است" و این یعنی وظیفه ای جز عزاداری در روز عاشورا برای شیعیان وجود ندارد و هیچ جایی برای ذوقیات صوفیانه نمی‌ماند.»

ثانیاً: نقل مزبور صحیح بوده و در مقدمه ملهوف آمده است [۲] و جایی برای تشکیک در آن نیست و بالاتر از آن مرحوم سید در اقبال می‌فرماید: ما در ایام دهه عاشورا چون ایام امتحان شهدا بوده است جهت مواسات اظهار حزن می‌نماییم ولی از عصر عاشورا و زمان شهادت چون ایشان در اثر شهادت به مقتضای کریمه: «فرحین بما ءاتاهم الله من فضله» شادمان می‌باشند ما نیز باید در سرور با ایشان مشارکت نمائیم تا به سعادت برسیم و لذا عزاداری را از عصر عاشورا ترک می‌کنیم.

ثالثاً دانستن آراء بزرگوارترین عالمان شیعه گرچه حجت تعبدی نیست ولی این فائده را دارد که کسانی که از خوان معارف اهل بیت بهره‌ی وافی نبرده‌اند و به خود اجازه می‌دهند نام شیعیان مخلص امیر المؤمنین را در کنار نواصب ذکر کنند کمی به تأمل وادار شوند.

رابعاً: این گفتار نویسنده: «این نقل قول از جهتی کاملاً بر خلاف مدعیات پاسخ دهنده است. زیرا سید فرموده است که "کتاب و سنت ما را امر به عزاداری نموده است" و این یعنی وظیفه‌ی ای جز عزاداری در روز عاشورا برای شیعیان وجود ندارد و هیچ جایی برای ذوقیات صوفیانه نمی‌ماند.»

بیش از حد عجیب است. گویا فراموش کرده‌اند که علامه طهرانی نیز در روح مجرد فرموده بودند: «سائر افراد مردم که در عالم کثرات گرفتارند و از نفس برون نیامده‌اند، حتماً باید گریه و عزاداری و سینه‌زنی و نوحه خوانی کنند تا بدین طریق بتوانند راه را طی کنند و بدان مقصد عالی نائل آیند. این مجاز قنطره‌ای است برای آن حقیقت. همچنانکه در روایات کثیره مستفیضه ما را امر به عزاداری نموده‌اند تا بدینوسیله جان خود را پاک کنیم و با آن سروران در طی این سبیل هم آهنگ گردیم.» [۳] پس کلام مرحوم سید همان فرمایش مرحوم علامه است؛ هر دو معترفند که روز عاشورا روز سرور اهل بیت است و هر دو معترفند وظیفه‌ی شرعی عموم مؤمنین عزاداری و توجه به جنبه‌ی حزن این روز است.

۳ - نویسنده می‌نویسد: «بدیهی است احدی نمی‌تواند در سیره اهل بیت علیهم السلام و همه صلحاء و شیعیان و محبان در روز عاشورا از آغاز تا به امروز، ذره‌ای اظهار سرور و شادمانی ببیند و این سرور تنها در سیره نواصب و برخی عرفا و صوفیه نظیر مولوی و شمس تبریزی مشاهده شده است که عزاداران حسینی را متهم به غفلت و نفهمی کرده‌اند.»

اولاً توقع این بود با توضیحات مفضل ارائه شده، نویسنده جوابیه لاقبل به تفاوت سرور نواصب و سرور عرفا منتبّه شود. نواصب از حزن و مصائب اهل بیت شادمان می‌شوند و عرفا از فرط عشق و محبت به اهل بیت و غرق بودن در جلوه‌های عشق و توحید عاشورا از سرور اهل بیت شاد می‌شوند و کنار هم آوردن نام ایشان هیچ توجیهی ندارد.

ثانیاً باید دانست فرح و سرور مؤمنین عادی در ضحك و خنده و اكل و شرب است و فرح و سرور عارفان و مقربین عادهً در توجه به حضرت حق و الطاف وی و عبادت و شعله گرفتن آتش محبت و ریختن اشک شوق است. چنانکه رسول خدا به امیر المؤمنین صلوات‌الله‌وسلامه علیهما فرمودند: ثَلَاثٌ فَرَحَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا لِقَاءُ الْإِخْوَانِ وَ تَفْطِيرُ الصَّائِمِ وَ التَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ (= دیدار اخوان دینی و افطار دادن به روزه‌دار و تهجد در

آخر شب سه عامل از عوامل فرح و شادمانی مؤمن است.) و روایت شده هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم به امیر المؤمنین علیه السلام بشارت دادند که از آن حضرت به خاطر مجاهدتها و تحمل سختی‌ها راضیند، آن حضرت گریستند. رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم فرمودند: مَا يُبْكِيكَ يَا عَلِيُّ أَفَرِحَ أَمْ حُزِنَ قَالَ بَلْ فَرِحَ وَ مَا لِي لَا أَفْرَحُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ (= چه چیز سبب گریه تو گشته است؟ فرح یا حزن؟ امیر المؤمنین عرض کردند: بلکه فرح و شادمانی موجب گریه من شد و چگونه شادمان نباشم در حالیکه تو از من راضی می‌باشی.) و بر همین اساس است که در روایات شیعه حتی روز عید را روز عبادت و توجه شمرده‌اند نه روز خنده و لعب و بازی .

مسلم است که سیره ائمه علیهم السلام و بزرگان شیعه در عاشورا بر خنده و لعب نبوده و حال توجّه به آن حضرت یا اشک و شوق بر همگان مستولی بوده ولی آیا گریه ایشان فقط گریه حزن بوده یا نه؟ بلکه گاه همچون گریه امیر المؤمنین علیه السلام در نقل مزبور گریه شوق و فرح معنوی بوده چنانکه شواهد بسیاری بر آن شهادت می‌دهد.

کسانی که در عاشورا موظفند به چهره حزن و منظر عالم کثرت توجّه کنند کاری جز اشک و آه ندارند و باید هم چنین باشد و کسانی که به آن روی سگّه نظر داشته و در جلوه‌های توحیدی عاشورا غرقند، فرح و سرورشان چیزی جز اشک شوق نیست. و لذا مرحوم حدّاد نیز در برهه‌ای که در عوالم توحیدی سیر می‌کردند در عاشورا هرگز به خنده و خوردن غذاهای لذیذ و دیگر آداب اهل دنیا مشغول نبودند. علامه طهرانی در وصف ایشان می‌فرماید: « در تمام دهه عزاداری، حال حضرت حدّاد بسیار منقلب بود. چهره سرخ می‌شد و چشمان درخشان و نورانی؛ ولی حال حزن و اندوه در ایشان دیده نمی‌شد؛ سراسر ابتهاج و مسرت بود... بسیار گریه میکردند، ولی همه‌اش گریه شوق بود. و بعضی اوقات از شدت وجد و سرور، چنان اشک‌هایشان متوالی و متواتر می‌آمد که گوئی ناودانی است که آب رحمت باران عشق را بر روی محاسن شریفشان میریزد.»

آری گریه شوق و ابتهاج در عاشورا سیره همه اهل بیت است. شیعیان کامل هنگامی که در زیارت عاشورا می‌گویند: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظَمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ گریه حزن سر می‌دهند و هنگامیکه می‌گویند: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَ تَبَّتْ لِي قَدَمٌ صَدَقَ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ اشك شوق و ابتهاج می‌ریزند.

متأسفانه مخالفان عرفان حال اولیای خدا را با خود قیاس نموده و پنداشته‌اند اگر ایشان سخن از جلوه‌های عشق و توحید در عاشورا گفته و به بعد فرح و سرور سید الشهداء و اصحابشان در عاشورا توجّه می‌کنند همچون اهل دنیا به خنده و لعب و خوردن و آشامیدن پرداخته و از سیره اهل بیت و بزرگان دین خارج می‌شوند.

بنابراین آنچه نویسنده گفته است که: « بدیهی است احدی نمی‌تواند در سیره اهل بیت علیهم السلام و همه صلحاء و شیعیان و محبان در روز عاشورا از آغاز تا به امروز، ذره ای اظهار سرور و شادمانی ببیند.» اگر مرادش سرور اهل دنیا است سخنی حق است ولی در سیره عارفان واقعی نیز چنین چیزی به چشم نمی‌خورد و این

سخن که: «و این سرور تنها در سیره نواصب و برخی عرفا و صوفیه نظیر مولوی و شمس تبریزی مشاهده شده است که عزاداران حسینی را متهم به غفلت و نفهمی کرده اند.» کاملاً باطل است.

و اگر مراد سرور و ابتهاج ملکوتی است، این سرور از سید الشهداء و اصحابشان علیهم السلام آغاز شده و با ما رأیت الا جمیلاً زینب کبری استمرار یافته و تا امروز نیز در شیعیان خالص ایشان ادامه دارد و شواهد بسیاری از روایات در اینباره در اصل مقاله گذشت که در جوابیه هیچ جوابی بدان داده نشده است.

آنچه در عبارات علامه طهرانی قدس سره آمده است «مسرور و مبتهج بودن» است ولی نویسنده جوابیه از آن به اشتباه به «اظهار سرور و شادمانی کردن» تعبیر نموده است که مؤید غلط فهمیدن معنای سرور است؛ زیرا اظهار سرور عادهً به ارتکاب آثار خاص آن چون خنده و ... حاصل می‌شود که در سیره عرفا از آن اثری نیست؛ نه با اشک ریختن که اثر مشترك حزن و فرح است.

به هر حال تدبّر در روایاتی که سابقاً گذشت به وضوح نشان می‌دهد که فرمایشات حضرت علامه طهرانی صرفاً شرح و تفسیر روایات اهل بیت عصمت و طهارت است و ظرائفی را تبیین نموده‌اند که فقط امثال سید ابن طاووس‌ها و علامه طهرانی‌ها به ادراک آن نائل می‌شوند.

نویسنده جوابیه مطالب دیگری نیز نگاشته‌اند که ربطی به بحث نداشته و توضیح اشتباهات ایشان و برداشت‌های غلطشان موقوف به کوتاه‌نگاری‌های دیگری است.

پانویس

۱. نگارنده در سال گذشته در مدرسه صدر اصفهان در جلسه‌ای که تاریخ حکمت و در عرفان در قرن ۷ تا ۱۱ را بیان می‌نمودم متون تاریخی مختلفی را پیرامون گرایش‌های عرفانی بزرگان شیعه همچون سید بن طاووس، کمال الدین میثم، خواجه نصیر الدین، شهیدین، علامه مجلسی اول قرائت نمودم که چون در آن دوره تاریخی از عرفان به تصوف تعبیر می‌شده در این متون مکرراً از این لفظ استفاده شد. مجله سمات نقدی بر این سخنرانی نگاشت که به علت تحریف‌ها و بی‌صداقتی‌های فراوان حقیر از پاسخ دادن به آن اجتناب نمودم. از جمله مجله مزبور چنین وانمود کرد که تصوف در آن عبارات به معنای تصوف باطل بعد از قرن دهم است و این بنده را صوفی مشرب نامید چنانکه در این جوابیه نیز همین سوء استفاده را می‌بینیم. در حالیکه افراد میتدی نیز می‌دانند که تصوف به اصطلاح قرن‌های هفتم تا دهم شامل عرفان شیعی فقاهتی می‌باشد که طریقه ابن طاووس و خواجه و شهیدین و مجلسی اول و جمعی دیگر از بزرگان تا امثال علامه طباطبایی و رهبر فقید انقلاب قدس سرهم می‌باشم و نگارنده نیز صرفاً مدافع همین مکتب است.

۲. الملهوف، ص ۸۳.

۳. روح مجرد، ص ۸۶.